

ما به نام

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران



بیاری دوستانی بشتابیم که در آستان نیستی ایستاده اند! دست دژخیم را باز داریم!

(از راست بچپ) پرویز حکمت جو، علی خاوری

بمناسبت اول ژوئن روز جهانی کودک

همه پدران و مادران، همه سازمانهای زنان را فرا میخوانیم تا در راه اجرای «اعلامیه حقوق کودک» پیکار کنند!

اعلامیه ای که در طاق یا به عرصه هستی نسیان نهاده شده است میگذارد حقوقی بوی تعلق میگیرد که جامعه موظف

به تأمین آنها، موظف به حمایت از کودک در برابر تمام مشکلاتی است که مانع رشد جسمی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی میشود. بخصوص از آنجهت که کودک انسانی است نارس، حمایت جامعه از وی جنبه خاص دارد. زیرا سالمندان در موارد نقض حقوق انسانی میتوانند خود شخصاً برای احیاء و تأمین حقوق خویش مبارزه کنند ولی کودکان که بعلت فقدان قابلیت جسمی و فکری قادر به مطالبه حقوق خویش نیستند، توجیه دقیق به حقوق آنان در حیطة وظائف دولتها، خانواده ها و سازمانهای مربوطه قرار میگیرد. از این نظر در کشور های مترقی همه امکانات برای پرورش جسمی و فکری کودکان آماده است و شخصیت کودک بعنوان سازنده جهان فردا مورد توجه قرار دارد. اما این فقط در بخشی از جهان ماست که مردم به سرنوشت خویش حاکم اند، و در بخشی عظیم تر، یا کودکان بعنوان موجودات صاحب حقوق اصولاً بحساب نمیآیند و یا در زمینه های بسیار، حقوق آنها نقض میشود. بدینجهت است که پس از جنگ جهانی دوم، در کشور های

مختلف، سازمانهای دفاع از کودک بوجود آمد و سازمان ملل که زمانی اعلامیه حقوق بشر، را تصویب کرده بود، بر اثر مبارزه این سازمانها خود را ناگزیر یافت برای توجه مخصوص دولتها به حقوق کودکان. «اعلامیه حقوق کودک» را در نوامبر سال ۱۹۵۹ نشر دهد. اما همانطور که اعلامیه حقوق بشر از جانب بسیاری از دولتها نقض شده، «اعلامیه حقوق کودک» نیز بفراموشی سپرده شده است و نمونه کامل این هر دو را در کشور خودمان می بینیم. از آنجهت که این اعلامیه پس از هفت سال از صدور آن، از طرف رژیم شاه نادیده گرفته شده وضع کودکان ایران را درچار چوب همین اعلامیه بررسی میکنیم و از پدران و مادران ایرانی دعوت میکنیم تا همانطور که در راه تحقق اعلامیه حقوق بشر، علیه رژیم شاه مبارزه میکنند برای تأمین خوشبختی کودکان خویش، اجرای اعلامیه حقوق کودک را از دولت مصرانه خواستار شوند.

«اعلامیه حقوق کودک» با این جمله آغاز چه می گوید؟ میشود: سلامت جسمی و فکری کودکان باید نخستین آرزوی هر ملتی باشد، و سپس تأکید میشود که: هر کودکی باید امکان رشد و پرورش در شرایط عادی را دارا باشد، نیازی به تفصیل ندارد که نه تنها شرایط عادی رشد و پرورش برای کودکان ما فراهم نیست بلکه آنها بعنوان معصوم ترین قربانیان رژیم سلامت جسم و روحشان را خطرات عدیده تهدید میکنند.

مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ قانون مدنی باید تغییر کند

بموجب اعلامیه حقوق کودک، «کودک» در سنین اولیه حیات (جز در موارد فوق العاده استثنائی) از مادر جدا شود. بدون تردید اجرای این ماده از شرایط ضروری تأمین سعادت کودک است. کودکانی که از آغوش مادر جدا میمانند بخصوص در کشوری نظیر کشور ما که جهل و بیسوادی در آن ریشه های عمیق دارد غالباً مورد بغض و نفرت نامادری خویش قرار میگیرند و اگر آنچنان که در روزنامه ها میخوانیم، حیاتشان مورد تهدید قرار نگیرد آماج کین، تحقیر، تنبیه و توهین دائمی هستند. روشن است کودکی که محبت نه بیند و نهال وجودش از سرچشمه عشق و محبت مادر سیراب نشود، عقده های فراوان روحی سراسر زندگی او را تحت تأثیر میگیرد. برای اجرای همین ماده از منشور حقوق کودک لازم است ماده ۱۱۶۹ حقوق مدنی که به مرد حق میدهد پس از وقوع طلاق فرزند پسر را در ۲ سالگی و دختر را در ۷ سالگی از آغوش مادر جدا کند و نیز ماده ۱۱۷۰ که مرد را ذبح میانداند چنانچه مادر، شوهر کند حتی قبل از سنین ۲ و ۷ کودک را از مادر جدا سازد منسوخ و مردود اعلام شود.

بقیه در صفحه ۲

نطق رفیق رضا رادمنش در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست چکوسلواکی

رفقای عزیز! اجازه دهید درود های پرشور کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضا حزب و همه مردم زحمتکش و مترقی ایران را بمناسبت تشکیل سیزدهمین کنگره حزب تان، به شما و بوسیله شما بهمه مردم زحمتکش چکوسلواکی تقدیم دارم و موفقیتهای بازم بیشتر را برای شما آرزو کنم.

کنگره سیزدهم حزب کمونیست چکوسلواکی حادثه مهمی در تاریخ حزب کمونیست چکوسلواکی و مرحله جدیدی در جهت بسط و تکامل همه جانبه جامعه رشد یافته سوسیالیستی شما بشمار میرود. کنگره شما گام مهمی در جهت تحکیم و تقویت اردوگاه سوسیالیستی و نمایش جدیدی از وحدت جنبش کمونیستی و کارگری در مقیاس جهانی است.

امپریالیسم و ارتجاع از پیروزی هائیکه نصیب اردوگاه سوسیالیستی، جنبشهای رهایی بخش ملی و جنبش کمونیستی و کارگری جهانی میگردد هراسناک است. همه جنا مستقیم یا بوسیله عوامل خود میکوشد سیر پروسه انقلاب جهانی را متوقف سازد.

ما هر روز شاهد و ناظر تشبث تازه های اجانب امپریالیسم و ارتجاع جهانی هستیم و بنام «کوبا» کشورهایی از خاور میانه و خاور نزدیک مظاهر چند و بازی از توطئه و تجاوز و تهاجم امپریالیستی است که اعتراض و نفرت و انزجار و خشم و غضب تمام

حزب ما از این تریبون بزرگ و تاریخی از همه احزاب برادر از آن جمله از حزب کمونیست چکوسلواکی و از همه گروههای ملی و دموکراتیک و از همه شخصیت های برجسته علمی و اجتماعی که در سراسر جهان به احکام اعلام رفقای ما که گناهی جز دفاع از حق و عدالت و دفاع از آزادی و استقلال بقیه در صفحه ۶

یک گام بجلو از طرف کنگره جبهه ملی (بخش امریکا) در تعیین هدف و راه و مبارزه

«فصلی نو در مبارزه» گفته شده است که اساسی ترین عمل کنگره جبهه ملی ایران (بخش امریکا) تغییر اصل دوم از اصول سگانه هدف های جبهه ملی ایران در قسمت مربوط باستراتژی مبارزه جبهه بود. مقصود آقایان از عبارت «استراتژی مبارزه» همان چیز است که ما راه و شیوه مبارزه و انقلاب مینامیم. باری در این مقاله ذکر شده است که موافق اصل دوم هدفهای جبهه ملی ایران مصوب سال ۱۳۳۹ هدف جبهه عبارت بود از «استقرار حکومت قانونی» و راه نیل آن عبارت بود از «انتخابات عمومی و آزاد». در مقاله توضیح داده شده است که اصل فوق زمانی طرح و تصویب شد که جبهه ملی در ایران پس از «یک مرحله طوفانی خفقان مطلق سیاسی... مجدداً در محیطی که در آن ندای دروغین «انتخابات آزاد» از طرف

اخیراً شماره ۱۴ (اردیبهشت ماه ۱۳۴۵) روزنامه «باختر امروز» ارگان جبهه ملی ایران (بخش امریکا) بدست ما رسید. این روزنامه از برگذاری کنگره جبهه ملی ایران (بخش امریکا) در تاریخ ۹ و ۱۰ آوریل در شهر نیویورک با شرکت نمایندگان سازمان سابق جبهه ملی ایران در تبعید و سازمان سابق جبهه ملی ایران در امریکا خبر میدهد. دو سازمان نامبرده خود را منحل شده اعلام کردند و افراد آن در سازمان واحدی بنام «جبهه ملی ایران (بخش امریکا)» گرد آمدند. از آنجا که اتحاد و تشکل نیروهای ضد رژیم از نظر ما حادثه ای است بسود نهضت رهایی بخش ایران، لذا ما به نوبه خود از پیدایش سازمان واحد جبهه ملی ایران در امریکا خرسندیم. در همین شماره طی مقاله ای تحت عنوان

بقیه از صفحه ۱

همه پدر و مادران ، همه سازمانهای زنان را فرا میخوانیم تا در راه اجرای «اعلامیه حقوق کودک» بیکار نکنند!

دولت جانشین خانواده در پرورش روحی کودکان تصویب کرد اعلامیه تا بیدار کند:

«در مورد کودکان بیم اقدامات دولتها باید بنحوی باشد که جلی خانواده را پر کند ، یعنی کودک با وجود فقدان پدر و مادر چنان مورد حمایت دولت قرار گیرد که خود را در آغوش خانوادها احساس نماید . اما سرنوشت غم انگیز کودکان یتیم در میهن ما ، از کسی پنهان نیست ، کودکانی که در زیر پلها ، گوشه خیابانها ، در آغوش سگها و کنار مسجدها شب را به روز میآورند . بیسواد ، فاسد و خودرو بار میآیند و هیچ قانونی از آنها حمایت نمیکند . تازه آن عده قلیلی هم که در یتیم خانه ها بزرگ میشوند که تنها اقدامات دولت بنحوی نیست که خود را در آغوش خانواده خویش حس کنند بلکه برعکس در هر قدم ، درد گزنده یتیمی را در قلب کوچک خویش احساس میکنند . از کودکان سر راهی که در کنار تلهای خاکروبه و اعماق تباریک کوچه پس کوچه ها ، طعمه سرما و سگان درنده میشوند نیز جا دارد یاد کنیم . فقط در تهران روزانه بین ۵ تا ۱۰ طفل سر راه گذارده میشوند و مؤسسات خیریه بعلمت پر بودن ظرفیت از قبول آنها خودداری میکنند . (اطلاعات - ۲۱ شهریور ۱۳۴۲) اینها سرنوشت اسف انگیزتری دارند زیرا اگر هم زنده بمانند جامعه بعنوان کودک نامشروع آنان را خوار میشارد . در حالیکه در تمام کشور های پیشرفته جهان هیچگونه امتیازی بین این دسته از کودکان و کودکانی که ثمره ازدواج قانونی زن و مرد هستند وجود ندارد زیرا کودکان را گناهی نیست و عدالت چنین حکم میکند .

هر کودکی باید از بدو تولد موجبات رشد جسمی ، فکری ، اخلاقی و اجتماعی او فراهم گردد ، اجرای این ماده از اعلامیه حقوق کودک وظایف گوناگونی را در زمینه تأمین معاش ، مسکن ، بهداشت و فرهنگ کودکان بر عهده دولتها میگذازد ، آیا رژیم شاه بوظایف خود در این زمینه توجه داشته است ؟

فقر عمومی ، حیات و رشد جسمانی کودکان باشد تا بتواند حد اقل ما را بخطر انداخته بر خوردار شود لازمت غذا و پوشاک کافی مسکن

تمیز و آفتگیر ، پزشک و دارو در اختیار داشته باشد تا در برابر بیماریهای گوناگون حفظ شود ، اما فقر عمومی در کشور ما موجب است که اکثریت مطلق کودکان از حد اقل زندگی محروم باشند . سوء تغذیه ، فقدان پوشاک کافی ، مسکن و بهداشتی و نبودن پزشک و دارو ، مرگ و میر را در بین کودکان به امری رایج و متداول تبدیل ساخته است . علاوه بر آنکه ، این عوامل منفی در رشد جسمی کودکان حتی در خانواده های شهر نشین که نسبت به روستائیشینان از رفاه بیشتری بر خوراند تأثیر خود را باقی گذاشته است . امینی در دوران نخست وزیری خود اعتراف کرد که : « اطفال جنوب و شمال شهر از لحاظ قد و اندام تفاوت فاحش دارند »

اکثریت کودکان ما گرسنه و نیمه گرسنه اند در روستاهای دور افتاده ایران کودکان با گیاه ، حشره هسته خرما سد جوع میکنند و در شهر ها غذای ناکافی سلامتی آنانرا بخطر میاندازد . خانه های روستائی مرکز نشو و نمای انواع میکروبها و آفت سلامتی کودکان است . در این خانه ها انسان و کلو و کوسفند و مرغ و خروس و سگ و گربه در کنار هم بسر میبرند و کودکان که لطیف تر و مستعد تر برای ابتلا به بیماری های گوناگون هستند خیلی زود سلامتی خود را از دست میدهند . طبق گزارش رسمی وزارت کار در

همین تهران ، در کنار کاخهای رفیع ، ساکنین کودکان ها که تعدادشان چندین هزار نفر بر آورده شده از اطاق نشیمن خود بجای طویله هم استفاده میکنند و در همین طویله های بی در و بیکر است که کودکان معصوم در کنار حیوانات میخورند و میخوابند .

سطح نازل بهداشت در ایران بیش از بزرگسالان زندگی کودکان را دچار خطر میکند . کودکان روستائی در اکثریت مطلق خود رنگ پزشک و دارو نمی بینند و در شهر ها نیز خانواده های متوسط و بی چیز بعلمت گرانی دارو و درمان ، کودکان خویش را بهنگام بیماری بدست قضا و قدر می سپرند . بر این اساس است که طبق نوشته روزنامه اطلاعات : « در سال ۱۳۴۳ ، ۵۲ درصد تلفات در ستین بیت بدو تولد تا ۵ سالگی بوده است » .

ماده ۲۶ ، اعلامیه فرهنگ طبقاتی مانع عمده پرورش فکری و روحی کودکان است

در سال ۱۹۶۰ تمام کشور ها متعهد شده اند که : « امکان تحصیلات ابتدائی اجباری و مجانی را برای مردم فراهم کنند ، اما سیستم فرهنگی ما که روز بروز بیشتر محتوی طبقاتی خود را آشکار میسازد نقض آشکار اعلامیه حقوق بشر و تصمیم یونسکو است رژیم شاه درباره تعلیمات اجباری و مبارزه با بیسوادی جنجال تبلیغاتی خود را به پهنه گیتی کشانده است با این وجود ایران از نظر تعداد بیسوادان همچنان در شمار کشورهای عقب مانده دنیاست . شاه مدعی است که مشور ۶ ماده ای وی بچنگ بیسوادی در روستای ایران رفته است ولی همه می بینند که حتی در تهران دبستان کافی وجود ندارد . هر سال بنا به آمار رسمی

۵۲ درصد از کودکان بسن تحصیل امکان تحصیل نمی یابند . اکثریت مطلق کودکان ده و نیمی از کودکان شهر نشین در دورانی که باید سرخوش و شاد درس بخوانند و بازی کنند ، با کار و زحمت آشنا میشوند . کارخانه ها ، کارگاهها و مزارع ایران عرصه استثمار وحشیانه کودکان خردسالی است که بجای تحصیل به فروش نیروی کار خود مجبور شده اند . با آنکه کار کودکان کمتر از ۱۲ سال حتی بموجب قانون کار موجود منع شده ، ولی اکثریت کارخانه ها و کارگاههای ایران از وجود کارگران خردسال استفاده میکنند . اعلامیه حقوق کودک ، استثمار کودکان را در صرحاً منع نموده و یاد آور شده است که حمایت از کودک در برابر تمام اشکال استثمار لازم و ضروری است .

علاوه بر حقوق کودک در زمینه تعلیم و تربیت برای آنکه کودکان افراد مفید و کار آمدی برای اجتماع خود باشند ، در اعلامیه تصریح شده است که باید آنانرا از خطرات ناشی از قلم ها ، کتاب ها و مجلات و برنامه های رادیو تلویزیونی که به پرورش روحی و بدین منظور انتشار کتابها و مجلات خاص کودکان تهیه قلمهای تربیتی ، تنظیم برنامه های رادیو تلویزیونی که به رشد روحی و شخصیت اخلاقی کودک کمک کند توصیه شده است . اما همه میدانند قلم هائی که کودکان ما تاملشان میکنند ، مجلات و کتابهایی که میخوانند و اکثریت برنامه های رادیو و تلویزیون تا چه حد برای کودکان زبان بخش و گمراه کننده اند و در پرورش روحی کودک نه تنها نقش تربیتی ندارند بلکه عامل انحطاط و تخریب هستند . اکنون فقط چند سالی است که به ترجمه و تدوین برخی کتابهای خاص کودکان اقدام شده است ، تازه این کتابها هم غیر کافی و هم در اکثریت مطلق خود منطبق با نیاز روحی کودکان ما نیست .

گردش و تفریح بمشابه حق تفریح و استراحت عامل مهمی در پرورش روح برای کودکان و جسم کودک جزء حقوق

وی بشمار آمده است . اعلامیه تصریح میکند که : « تفریح و استراحت حق کودکان است ، روزنامه اطلاعات ارگان یکنه رسمی دولت را شاهد میآوریم تا ثابت شود که در شرایط کنونی حتی مسئله تفریح و بازی کودکان به چه مشکل لاینحلی تبدیل شده است . اطلاعات در ۲۴ اردیبهشت امسال نوشت : « اگر تمام شهر ۲ میلیون نفری تهران را واجب کنید برای نمونه یک زمین با وسایل تفریح سالم برای بچه ها بمعنی واقعی آن پیدا نخواهید کرد و این دو سه پارکی هم که بطور ناقص ایجاد شده ، سالی به دوایزه ماه با تعطیل است و با در دست تعمیر ، بدینجهت است که کودکان ما با زندانی چهار دیواری خانه هستند و یاسرگردان کوچه و خیابان . بدون تفریح ، بدون سر گرمی ، بدون استراحت ، خود و کسل و روحاً بیمار ، طفولیت را پشت سر میگذرانند بی آنکه از لذت دوران کودکی بهره ای برده باشند . هر روز تعداد بیشتری

ضرورت ایجاد شبکه از زنان در حیات اقتصادی شیر خوار گاهها و کودکان کشور شرکت کودکانها در سر اسر کشور وجود شبکه ای از شیر خوار گاهها و کودکانها را به امری ضرور مبدل میسازد . تنها در اینصورت است که مادران میتوانند وظایف اجتماعی خود را با فراغ بال انجام دهند . در همه کشورهای مترقی جهان در شهر ، روستا ، در کنار کارخانه ها و بنگاهها و ادارات چنین مؤسساتی وجود دارد و از کودکانی که مادرانشان کار میکنند طبق برنامه های صحیح بهداشتی و تربیتی پذیرائی میکنند . از وجود چنین تأسیساتی در میهن ما اثری نیست فقط عده قلیلی کودکان ، آنهم در برخی از شهر ها وجود دارد که غالباً مورد استفاده خانواده های ثروتمند است و کودکان خانواده های زحمتکش را بدانجا راهی نیست . یکی از وظایف مهم پدران و مادران و بخصوص جمعیت های زنان مبارزه در راه ایجاد اینگونه مؤسسات است .

صرف میلیونها ریال از بودجه ناتوان کشور برای مصارف جنگی ، فقر خانواده ها و در نتیجه محرومیت کودکان را تشدید نموده است . در حالیکه کودکان ما غذا ، دوا ، کودکانستان ، مدرسه ، پزشک و بیمارستان ندارند ، فقط در سال گذشته رژیم شاه در حدود ۲۵ میلیارد ریال بمرض هزینه های جنگی رسانده است . اگر مبارزه پدران و مادران در راه صلح

اهمیت درجه اول کسب نموده ، نه فقط بعلمت جلوگیری از خطرات مستقیم جنگ بلکه بغضرب زاینهای غیر مستقیم آن ، حذف بودجه جنگی و تخصیص آن به نیازمندیهای عمومی نیز هست . بدین سبب است که مبارزه پدران و مادران ایرانی برای وادار کردن رژیم به اتخاذ سیاست بیطرفی مثبت و حذف بودجه جنگی در درجه اول اهمیت قرار دارد .

اعلامیه حقوق کودک آموزش بزبان مادری حق مسلم کودکان است هرگز از طرف زلمندان ایران رعایت نشده است . از آنجهت که حقوق فرهنگی خلقهای ایران از جانب رژیم ارتجاعی شاه مورد انکار قرار گرفته است ، میلیونها کودکی که زبان مادریشان فارسی نیست مجبورند به زبان فارسی درس بخوانند و این امر ، تحصیل کودکان را دچار اشکال فراوان میسازد . باید برای تسهیل آموزش این عده از کودکان دولت را وادار نمود که حقوق فرهنگی خلقهای ایران را برسمیت بشناسد

علاوه بر حقوقی که مستقیماً به کودکان تعلق میگردد و رعایت آنها برای تأمین سعادت کودک ضروری است ، تقض حقوق بزرگسالان و بی عدالتی اجتماعی نیز بطور غیر مستقیم در زندگی کودکان تأثیر میگذارد و خوشبختی آنها وامورد تهدید قرار میدهد . برای نمونه ، عدم اجرای اعلامیه حقوق بشر در کشور ما و

کودک اندر دیار سرمایه

کودک اندر دیار سرمایه بیخبر از نوازش مادر ، استخوان سگان بود قوتش سنگ ناسور کوچه ها بستر .

سوخته همچو شمع کافوری در سیه چال معدنی مرطوب ؛ خم شده پشت دستگاه عنود از سحرگاه تا اوآن غروب .

کودکان دیده ام به هرم تموز بر سر تخته ریگ خفته به درد ، چون گل منجمد فئاده بخاک بهمن بی امان چو زد دم سرد .

شهر و ده پر بود از این اطفال چهره ها خسته ، جامه ها پاره ، در میان زباله گمشده رزق جسته همچون سگان آواره .

در نتیجه فقدان آزادیهای دموکراتیک ، شیوازه زندگی هزاران خانواده را از هم گسیخته و هزار ها کودک را از آغوش پر مهر پدر بیرون کشیده است . پدران که تنها به گناه داشتن عقیده ، بچرم میهن پرستی و بشر دوستی در جریان مبارزات ۲۵ سال اخیر بدست جلدان شاه به قتل رسیده اند ، پدرانی که بچرم داشتن عقیده سیاسی بزندان افتاده اند و تبعید شده اند و هم اکنون نیز تعداد بسیاری از آنان در زندانهای تهران و شهرستانها در بندند و یا بانتظار احکام ظالمانه دادگاههای فرمایشی شاه روز شماری میکنند . مسئول تباهی زندگی این کودکان کیست ؟ پدران و مادران ! علیه رژیم استبدادی شاه مبارزه کنید تا دیگر هرگز میله های زندان بین پدر و فرزند حائل نشود ، تا دست رژیم کودکان بیگانه را بی سر پرست نکنند ، تا هیچ کودکی پدر خویش را اسیر دست جلا د نبیند .

بنا به تصمیم شورای فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان از تاریخ ۳ تا ۶ اکتبر ۱۹۶۶ (۱۱ تا ۱۴ مهر ۱۳۴۵) کنفرانس بین المللی کودک در شهر استکهلم (سوئد) تشکیل خواهد شد . دستور کار کنفرانس عبارتست از :

کودکان تأمین شرایط لازم برای شکفتگی روحی و جسمی تمام مسئله آموزش و پرورش بهداشت کودک فعالیت کودک خارج از مدرسه و خانواده و در ایام فراغت .

این کنفرانس با شرکت نمایندگان سازمان های زنان و سازمانهای دفاع از حقوق کودک تشکیل خواهد شد تا برای بهبود زندگی کودکان سراسر جهان ، طرقی بیابند . فرصت مناسبی است تا آن عده از سازمانهای موجود زنان در ایران ، که به سرفروشت کودکان میهن خویش ضمیمانه علامتدند نمایندگان خود را باین کنفرانس بفرستند تا ضمن انعکاس زندگی کودکان ما در این کنفرانس ، با توشه ای از تجربیات مبارزه زنان سایر کشور ها در راه تأمین حقوق کودک به میهن خود بازگردند . شاید این تجربیات در مبارزه پدران و مادران و در نتیجه بهبود شرایط زندگی کودکان ما مؤثر افتد .

تا کی دشنام؟ تا کی اتهام؟

(در باره يك مقاله ضمیمه آلمانی روزنامه «ایران آزاد»)

اخیراً شماره‌ای از نشریه «ای. ن. ف. انفرماسیون» ضمیمه آلمانی «ایران آزاد» ارگان سازمان اروپائی جبهه ملی ایران (مورخ ۱۳ مارس ۱۹۶۶) بدست ما رسیده است. ما در میان مطالب این شماره فقط توجه خود را بمقاله‌ای که در صفحه آخر این نشریه تحت عنوان «حزب توده ایران، دست نشاندۀ مسکو» نوشته شده است معطوف میداریم. در این مقاله که سر تا پا دشنام و اتهام به حزب توده ایران است، جز تکرار همان مطالب کهنه و منسوخ قدیم چیزی وجود ندارد. در گذشته، در روزنامه مردم ارگان مرکزی و مجله دنیا ارگان تئوریک و سیاسی حزب، بکرات در باره این بهتانهای بی پایه و اساس صحبت کرده ایم. مطلب مهم این است که ناشرین نشریه مورد بحث پس از مدتی که بنظر میرسید نشریه «ایران آزاد» (که نشریه مورد بحث ضمیمه آلمانی آنست) سکوتی نسبی را در باره باصطلاح «مبارزه» علیه حزب ما مراعات میکند، یکبار دیگر، حمله بحزب ما را آغاز کرده است. ما با بحث و تبادل نظر مقابل، با انتقاد شدن و انتقاد کردن، در چارچوب اصول، نه تنها مخالف نیستیم بلکه آنرا يك مقدمه اجتناب ناپذیر برای تحقق اتحاد در صفوف اپوزیسیون مترقی ایران میدانیم. ولی بحث و انتقاد بادشنام گوئی و اتهام زنی تفاوت دارد. یکی مفید است، یکی مضر. یکی به اتحاد و تعاون مقابل به نیروهای ملی و ضد استعماری کمک میکند و یکی زیان میرساند. دشنام گوئی بحزب ما آنهم درست در روزها و هفته هائی که به مناسبت مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران مبارزه متحدانه‌ای جریان دارد، چه معنائی میتواند داشته باشد؟ ما در شماره‌های اخیر مجله دنیا، بسهم خود کوشش کردیم و در آینده هم کوشش خواهیم کرد که بحث در داخل اپوزیسیون مترقی ایران را از حیطه فحاشی و اتهام زنی خارج کنیم و به مجرای معتدل و منطقی و اصولی بیندازیم. ولی متأسفانه ناشرین نشریه مورد بحث بهمان راه قدیم ادامه میدهند. ادامه این وضع بنفع کیست جز بنفع رژیم ضد ملی - ضد دموکراتیک کنونی.

در مقاله دشنام آمیز این نشریه یکبار دیگر به حوادث دوران ملی شدن صنایع نفت و روش حزب توده ایران اشاره شده است. حزب ما سیاست خود را در این دوره، در پلنوم چهارم کمیته مرکزی مورد بحث تفصیلی قرار داد و اسناد و قطعنامه‌های مربوط باین بحث را منتشر کرده است. این اسناد و قطعنامه‌ها در مقیاس وسیع نشر یافته است. روشن است که حزب در این دوران برای خود اشتباهاتی قائل است و چنانکه لازمه يك حزب جدی و صدیق است آنها را نمی پوشاند. چرا اتهام زندگان بحزب ما این اسناد و قطعنامه‌ها را مورد توجه قرار نمیدهند؟ ما از سیاست حزب خود در این دوره

با نهایت صراحت انتقاد کرده ایم، جهت منفی و مثبت آن را بر شمرده ایم. ولی برخی سخنگویان پر سر و صدای جبهه ملی ایران در زمینه برخورد تحلیلی به روش خود چکار کرده اند؟ آیا حتی یکبار در باره سیاست جبهه ملی در این دوره و در دوران زمامداری آقای دکتر مصدق يك بحث علمی و جدی بعمل آورده اند؟ آیا حتی یکبار يك سند مشع در این باره منتشر کرده اند؟ در جلسات جبهه ملی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اینجا و آنجا تشکیل شده است در اغلب موارد جز کشمکشهای خصوصی، زد و بندهای گروهها و در بهترین شکل، جز فوران احساسات و عواطف چه چیز وجود داشته است؟ در موارد متعدد تمام جلسات جبهه ملی مصروف ارائه نامه‌های آقای دکتر مصدق و رد یا قبول آنها شده است. تازه هیچگاه جبهه ملی بر اهنمائی‌های آقای دکتر مصدق وفادار نبوده است و بشکل موسمی، در تصمیمات خود تغییر داده است.

ما از کسانی که سیاست حزب توده ایران را در دوران ملی شدن صنایع نفت انتقاد میکنند می‌رسیم: آیا سیاست جبهه ملی ایران در این دوره خالی از هر گونه نقص و اشتباه بوده است؟ اگر نبوده است پس چرا حتی یکبار این نقائص و اشتباهات را مورد بحث قرار نداده اید؟

در مرداد ۱۳۳۲، هنگامیکه کودتای سرلشکر زاهدی بوقوع پیوست، این حزب توده ایران نبود که بر رأس قدرت بود حزب توده ایران حزبی بود محروم از فعالیت علنی این دولت جبهه ملی بود که دولت را در دست داشت. این دولت جبهه ملی بود که در سر کوبی مثنی توطئه گروخائن تطل کرد و بآنها میدان داد تا قدرت را در دست گیرند. مسئول شکست نیروهای ملی در مرداد ۱۳۳۲ بدون تردید در درجه اول جبهه ملی است نه حزب توده ایران. ولی آقابانی که بحزب ما دشنام میدهند این حقایق را نادیده می‌گیرند.

در نشریه مورد بحث یکجا از بازگشت ستوان قبادی به ایران و اعدام او صحبت میشود. با لحن گزنده مینویسند که ستوان قبادی به تقاضای سازمان امنیت بعنوان «هدیه» تحویل دولت ایران شد و اعدام گردید. آنچه ناشرین نشریه مورد بحث در این باره مینویسند و در گذشته نوشته اند، سرتا پا نادرست است. ستوان قبادی بنا به تقاضا و اصرار مکرر در مکرر شخص خویش بعد از گرفتن اجازه بازگشت و ویزا از سفارت ایران در مسکو بایران بازگشت، ولی مقامات ایران ناجوانمردانه و علیرغم وعده‌های خود باو، او را تیرباران کردند.

حزب توده ایران سعی فراوان کرد که او را از بازگشت بایران با توجه به نیرنگ‌بازی رژیم کنونی باز دارد، ولی ستوان قبادی در بازگشت خود اصرار کرد. در قبال اصرار بقیه در صفحه ۷



Консульский Отдел Посольства Ирана в Швеции
 Вам Разрешение на въезд в Иран, действительное в течение 6 месяцев. Она заменяет национальный паспорт и везу на въезд в Иран. В этом документе Вам следует обратиться в местный СВНГ за документом владения советской визой. Если через 2 месяца, с момента подачи документов, не получите ввиду, обратитесь Посольству и представьте фотокопии рисунков СВНГ, по которой сделали документы.

КОНСУЛЬСКИЙ ОТДЕЛ ПОСОЛЬСТВА
 ИРАНА

نامه کنسواگری ایران در مسکو خطاب به ستوان قبادی دایر بر اجازه عزیمت
 بمشارالیه برای بازگشت بایران

Министерству управления
 милиции Таджикской ССР

От иранско-подданного Тобади
 Хосейн сын Новрузами (он же
 Фехли Тударз Новруз)

Заявление

В настоящее время имею пробы
 и разрешения (визы) на въезд в Иран в
 течение 6 месяцев.

Прошу выдать мне советскую
 вынужденную визу до истечения вышеупо-
 мянутого срока. 26/IX-1963 г.

Тобади Хосейн сын Новрузами
 (он же Фехли Тударз Новрузами)

نامه ستوان قبادی که بخط و امضاء خود اوست خطاب به رئیس شهربانی تاجیکستان
 ستوان قبادی در این نامه به مقامات شوروی اطلاع میدهد که: « اکنون حق و اجازه
 (روادید) ورود بایران در عرض شش ماه را در دست دارم. تقاضا دارم روادید خروج
 از شوروی را در عرض مهلت فوق در اختیار من گذارید.»
 دو سند فوق را مقامات شوروی در قبال اقدام حزب ما برای روشن کردن جریان
 بازگشت ستوان قبادی بایران در اختیار ما گذاشته اند.

P. B. 4176

Stockholm 4
 Sweden

هموطن عزیز! رفقای حزبی!
 به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو
 یک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل
 بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد
 های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه
 فعالیت ما ارسال دارید.

روزنامه توفان چگونه « تکامل » بیافتد

در پهن ماه ۱۳۴۳ روزنامه جدیدی بنام «توفان» در غرب انتشار یافت. نشرات این روزنامه ناشناس بودند. ولی با مطالعه نخستین شمارهها در ظاهر میشد نتیجه گرفت که این روزنامه - صرفنظر از جمله پردازشهای احساساتی و کلی بافی و برخی تحلیلهای نادرست سیاسی - نشریه‌ای است « صذر ژیم »، « ناسیونالیست »، « مذهبی » و « هوادار اتحاد نیروهای ملی ». در شماره ۷ « توفان » خود را ارگان تشکیلاتی بنام « جنبش سی تیر » و نشرات را « گروهی مستقل و متکی بخود از مبارزان ترقیخواه ایران » معرفی کرد. در شماره ۹ « توفان » در سرمقاله خود برای نخستین بار نیش زدند به اتحاد شوروی را آغاز کرد. این نیش زدن در اتحاد شوروی در مقالات مربوط به «توفان» و سفر برژنف به ایران در شماره‌های بعدی ادامه یافت. در شماره ۱۵ « توفان » بیش از دو صفحه از ۴ صفحه خود را به چاپ « بیان نامه دومین کنفرانس حزب دموکرات کردستان » اختصاص داد که در آن به حزب توده ایران حملات خصمانه‌ای شده و اتهامات ناروایی وارد گردیده است. در شماره ۱۸ « توفان » اعلامیه سه نفر انشعابی را انتشار داد از آنچه که انشعاب را « کوشش ارزنده‌ای » برای « احیای حزب سیاسی طبقه کارگر » میدانست و « شرکت فعالانه همه رفقا را در پشتیبانی از این کوشش ارزنده » توصیه میکرد. در مقدمه همین اعلامیه معلوم شد که نشران «توفان» گروهی از « جوانان مارکسیست - لنینیست » اند. در شماره ۱۹ « توفان » نامه یکی از انشعابیون را همراه یک مقدمه منتشر کرد. هم مقدمه و هم نامه دفاع از انشعاب و ایراد اتهام و حمله به حزب توده ایران است. در شماره ۲۱ « توفان » در سرمقاله خود نوشت: « پس از انتشار اعلامیه نامه ضمیمه توفان شماره های ۱۸ و ۱۹ عکس العمل های گوناگونی از جناحهای مختلف و در مرکزها » نسبت به اقدام ما انجام پذیرفت که برای ما بسیار آموزنده بوده است. ما تنها نامه های تشویق آمیز دریافت نکردیم بلکه کسانی نیز بوده‌اند که بر این اقدام ما ایراد گرفته‌اند و ما از آنها نیز آموخته ایم. در مورد انتشار این نامهها بنابر شیوه خود باز هم این سؤال برای ما مطرح بوده است که: آیا این اقدام به رشد و تقویت اراده توده‌ها در انجام کار مستقل و آگاه کمک میکند؟ و سپس تصمیم گرفتیم که از انتشار آنها فعلاً خود داری کنیم. . . . در شماره ۲۲ « توفان » (آخرین شماره‌ای که بدست ما رسیده) ۱۵ ستون از ۱۸ ستون خود را به شدید ترین حملات بیسابقه به حزب توده ایران و به اتحاد شوروی و دفاع از انشعابیون اختصاص داده است و همان روزنامه ای که هر گونه مرکزی را نفی میکرد در شماره اخیر خود بیکی از «مرکزها» یعنی «مرکز انشعابی» پیوست و سخنگوی پر حرارت آن شد.

تقابلی که در دیده شد

هر کس که « تکامل » روزنامه توفان را بررسی کند بناچار سؤالات زیر برایش مطرح میشود: چطور شد نشریه ای که نخستین شماره‌های خود را با کلمات قصار « علی و حسین » و با تصاویر « دکتر مصدق و دکتر فاطمی » آغاز کرد و « هیچ سیاسی چه زرد و چه سرخ و چه سیاه و چه سفید » را تعیین کننده مشی خود نمیدانست ناگهان «مارکسیست - لنینیست» دو آتشه از آب درآمد؟ چطور شد که روزنامه‌ای که مینوشت . . . وقت آن نیست که بتصور مجازات و یا اصلاح این یا آن حزب آن و یا این تشکیلات سرگرم جدال بيموقع و ناموزون شد و ناآگاهانه آن کرد که دشمن را آرزو است « چنان سرگرم «جدال» شده است که کم سابقه است؟ چگونه کسانی که ناشناس بودند و بعد به «گروه مستقل ترقیخواه» تبدیل شدند حالا چنان صحبت میکنند که گویی از بنیادگاران حزب توده ایران اند؟ چطور شد که کسانی که همه را «صرفنظر از عقاید سیاسی و وابستگی حزبی» به اتحاد برضد رژیم « که هدف اصلی است » دعوت میکردند و حتی در شماره ۲۱ « توفان » انتقاد درستی را که به آنها شده است ظاهراً قبول کردند، ناگهان در شماره بعد تمام نیروی خود را به ایراد ناروا ترین اتهامات و خصمانه ترین حملات به حزب توده ایران و حزب برادر اتحاد شوروی متوجه کرده‌اند و میخواهند آنرا « بهر قیمتی هم شده است » ادامه دهند؟

سخنی چند در باره روزنامه توفان

تفرقه افکنی در لباس وحدت طلبی خرابکاری از راه انقلابی مابی

با این حرارت در این راه دشمن شاد کن پیش میروند؟
تفرقه افکنی مذموم و محکوم است ولو در لباس وحدت طلبی.

خرابکاری از راه انقلابی مابی

انشعابیون اعضا حزب را بقطع ارتباط با رهبری و در واقع با حزب توده ایران دعوت میکنند ایجاد سازمانهای پراکنده و مستقل را توصیه میکنند و وعده میدهند که در جریان جنگهای پارتیزانی (که البته شروع آن دشوار است و تاریخ آن معلوم نیست!) حزب طبقه کارگر باید احیاء شود. نشران « توفان » همین محتوی را با شعار مبارزه برضد « رهبری ها و سازمانها و مرکزها » و تشویق « کار مستقل توده‌ها » تکرار میکنند. ولی در پشت سر انقلابی مابی در باره « جنگ پارتیزانی » و « ستایش توده‌ها » (که حرف است) یک عمل واقعی وجود دارد و آن کوشش برای متلاشی ساختن حزب توده ایران « برای منحل کردن حزب طبقه کارگر ایران » برای محکوم کردن طبقه کارگر و همه مارکسیست - لنینیستها به پراکندگی سازمانی و در نتیجه شکست است. به این عمل که برای آن « تئوری » هم ساخته‌اند جز انحلال طلبی و خرابکاری چه نامی میتوان داد؟ چگونه میتوان هنگامیکه بیش از هر زمان دیگر به سازمان - انهم سازمانی بسا اندیشه و عمل واحد نیاز هست تمام نیروی خود را در راه انحلال طلبی بکار انداخت و به آن نام « احیاء حزب طبقه کارگر » داد؟

این اولین بار نیست که میکوشند حزب توده ایران را متلاشی سازند. آخرین بار هم حتماً نخواهد بود. گاه اینکار بکمک سرنیزه انجام میگردد. گاه با سلاح « مارکسیسم - لنینیسم ». ولی اگر این درست است که آرزوی دیرینه دشمنان ملت ایران و طبقه کارگر ایران از بین بردن حزب توده ایران است، آنوقت نوع سلاح فرق نمیکند. مردم عمل را می بینند و خرابکار و انحلال طلب را اگر چه خود را « مارکسیست لنینیست » هم بدانند محکوم میکنند.

توفان تحریف میکند

در چهره جدید «توفان»، لکه دیگری نیز چشم میخورد که جعل و تحریف است. در شماره اخیر این نشریه (شماره ۲۲) ارزیابی‌های نادرست و تحلیلهای آزری غرض بسیار است. ما بی آنکه قصد جوابگوئی باین قبیل مطالب را داشته باشیم اشاره به تفسیری را که بر پایه یک تحریف فاحش در مقاله‌ای تحت عنوان «کنگره پیشروی بسوی کمونیسم!» انجام گرفته است ضرور می شماریم تا خوانندگان آن نشریه را از خوشبختی در قبال ارزیابی ها و بویژه « اقوالی » که گردانندگان آن از دیگران نقل میکنند برحذر داریم.

در مقاله مزبور که به « ارزیابی علمی » کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی اختصاص دارد با « استناد » به سخنرانی دبیر کل آن حزب در کنگره چنین دعوی شده است: « دبیر کل حزب » برژنف در سخنرانی خود بارها از رواج طرز فکری بورژوا منشانه در میان جوانان و هنرمندان شوروی و از علاقه و تمایل آنان به هر چیزی که از غرب میآید شکوه و شکایت کرد. نظیر همینگونه سخنان را برژنف در کنگره اخیر سازمان جوانان کمونیست شوروی کسومول ایراد کرده است... بعقیده او شیوع کیش بورژوا منشی در جوانان و علاقه آنان به پدیده های غرب زده از آنجا ناشی میشود که گویا نسل امروز انقلاب دربروز را با چشم ندیده و جنگهای میهنی دربروز را شخصاً احساس نکرده است و بنابر این نمیتواند از تجربه های انقلابی بهره گرفته باشد و به پرنسیپ های آن وفادار بماند!

روزنامه « توفان » در دنباله این بحث سپس میافزاید: « آیا جایی تعجب نیست که رهبر حزب کمونیست کشوری مثل شوروی... شیوع و برروز

افکار بورژوازی و خرده بورژوازی را توجیه کند؟ « (نقل از «توفان» شماره ۲۲، صفحه ۳. تکیه روی کلمات از ما است. مردم)

بدینسان صاحب این « ارزیابی علمی » مدعیست که گویا برژنف تنها یکبار بلکه بارها از « شیوع کیش بورژوا منشی » در میان جوانان « شکوه و شکایت » کرده است و گویا معتقد است که چون « نسل امروز انقلاب دربروز را با چشم ندیده و جنگهای میهنی دربروز را شخصاً احساس نکرده است . . . نمیتواند از تجربه های انقلابی بهره گرفته و به پرنسیپ های آن وفادار بماند. سرانجام «توفان» مدعیست که گویا لئونید برژنف ضمن سخنرانیهای خود «در توجیه» شیوع کیش بورژوا منشی » در میان جوانان کوشیده است.

به سخنرانیهای دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره ۲۳ و در کنگره سازمان کسومول مراجعه کنید تا به بینید تهیه کنندگان مقاله «توفان» در زمینه جعل و وارگونسازی چه «بی باکی» عجیبی از خود نشان داده‌اند.

نکته‌ای که برژنف گفته با آنچه که «توفان» از قول او ساخته است کوچکترین وجه مشابهتی باهم ندارد. آنچه که برژنف گفته است اینست که « هر چه در تاریخ » روز های اکثر دور نمیشود و عده بیشتری از پسران و دخترانی که آزمایشهای حیاتی دشوار را نگذرانده‌اند وارد صفوف کمونیستها میشوند - مسئولیت در زمینه انجام وظائف تربیت ایدئولوژیک بیشتر میشود.

(از سخنرانی برژنف در کنگره سازمان کسومول، تکیه روی کلمات از ما است. مردم)

حال خودتان انصاف بدهید: تا کید بر روی مسئولیت تربیت ایدئولوژیک چه وجه مشترکی میتواند با این ادعا داشته باشد که گویا جوانان شوروی در شرایط کنونی نمیتوانند به پرنسیپ های انقلاب وفادار بمانند؟ آنچه که برژنف گفته درست است. پروسه های اجتماعی عظیمی چون انقلاب، نبرد های انقلابی و جنگهای میهنی خود مکتب تربیتی و پرورشی عظیمی است و در دوره‌های ققدان این مکتب پرورش تاریخی نقش تربیتی اهمیت ویژه ای کسب میکنند. همین اندیشه ساده و درست است که برژنف با آن اشاره کرده است. ولی «توفان» این اندیشه را تحریف کرده و بشکل کاملاً معجول و نادرست منعکس نموده است.

در سراسر سخنرانیهای برژنف در کنگره ۲۳ حزب و در سازمان کسومول نه فقط بارها بلکه حتی یکبار هم از « شیوع کیش بورژوا منشی » در میان جوانان و روشنفکران شوروی سخن گفته نشده و کلمه‌ای در « توجیه » چنین « شیوعی » بکار نرفته است.

برعکس در هر دو سخنرانی بشاور و هیجان روح انقلابی، رمانتیسم انقلابی و نجابت انقلابی جوانان و وفاداری بیدریغ آنان به آرمانها و اصول انقلابی پدرانشان ستوده شده است. لئونید برژنف تا کید کرده است که « رمانتیسم انقلابی ذاتی جوانان شورویست » او پس از توصیف خدمات درخشان جوانان شوروی به ساختمان جامعه نوین و وظائف مشخص حزب و سازمان کسومول را در زمینه تکمیل اشکال و اسالیب کار تربیتی در میان جوانان خاطر نشان میسازد و ضمن اشاره به تقاض موجود در این زمینه سازمانهای مربوطه را برقع آنها دعوت میکند و از جمله میگوید: « برخی از سازمانهای حزبی و کسومول گاه این نکته را از نظر دور میدارند که نسل کنونی پسران و دختران مکتب سخت و دشوار مبارزه انقلابی و آبدیدگی را که نصیب نسل ارشد بوده است ندیده‌اند. برخی از جوانان میخواهند خود را از زندگی جوانان برکنار نگاهدارند»

روحیه اتکالی دارند » از دولت خیلی میخواهند ولی وظائف خود را در قبال جامعه و مردم از یاد می‌برند. ایدئولوگهای بورژوا که دشمنان ما هستند بهمین افراد خام که در قبال هرگونه بیماری و آگیر ایدئولوژیک حساسند توجه دارند و میکوشند از آنها بسود خود استفاده کنند. ولی خوشبختانه این افراد در کشور ما

انگشت شمارند. (از سخنرانی در کنگره ۲۳ تکیه روی کلمات از ما است. مردم)

«توفان» با چه منطقی از این سخنان نتیجه گرفته است که گویا برژنف معتقد است که جوانان شوروی نمیتوانند به پرنسیپ‌های انقلابی وفادار بمانند؟!

مقایسه این نقل قولها با «ارزیابی علمی» تهیه شده در صفحه ۵

شبه ای از :

فعالیت سازمان امنیت ایران (ساواک) در خارج از کشور

یکی از اقداماتی که هیئت حاکمه ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در راه اجرای سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود بدان احتیاج مبرم دید بسط دامنه ترور و جاسوسی بود. در مبارزه با جنبش آزادی بخش مردم ایران که دامنه اش همه جای کشور را گرفته بود، اکنون دیگر دستگاههای شهرداری و رکن دوم ستاد ارتش غیرممکن بنظر میرسید. سازمانی متمرکز و مافوق دستگاههای موجود لازم بود که بتواند امور مربوط به جاسوسی و تفتیش عقاید را از هر جهت زیر نظر خود گیرد.

تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) بدین منظور بود. اداره این سازمان بدست ارتشیان سپرده شد. این امر هم امکان بیشتری برای اعمال فشار و ترور در اختیار سازمان قرار میداد و هم آنرا به شاه و دربار نزدیکتر میساخت.

مستشاران امریکائی که اکنون بر کلیه شئون ارتش ما مسلط هستند این سازمان را نیز زیر نظر خود گرفتند تا در حدود لازم به تجربیات خود آنرا برای مبارزه با جنبش سوسیالیست مجهز سازند.

اکنون سهم کلانی از بودجه کشور در اختیار این سازمان است. آراشی ظاهری که در حقیقت خفانی بیش نیست در نتیجه فعالیت وحشت بار این سازمان، بشکل خاکستری بر روی آتش برقرار شده است.

عروض وضع خارج کشور دستگاه دیکتاتوری ایران را ناراحت کرده است. در حال حاضر بیش از سی هزار نفر دانشجوی و محصل وعده زیادی ایرانیان متفرقه در اروپا و امریکا پسر میزبان و آموزش علیه رژیم موجود بین آنان در گسترش روز افزون است و انعکاس آن در داخل کشور برای هیئت حاکمه اثر نامطلوب دارد. مقابله با این جنبش وظایفی را در مقابل ساواک مطرح میسازد که عبارت است از :

- ۱) کار تبلیغاتی بمنظور جلوگیری هر چه بیشتر از رسوخ افکار مترقی بویژه میان جوانان و دانشجویان.
 - ۲) مبارزه عملی با عناصر و سازمانهای مترقی برای انجام این وظایف سازمان و شیوه های دیگری لازم است که با آزادی نسبی کشورهای اروپا و امریکا در تضاد قرار نگیرد.
- نخستین اشکال عدم امکان ایجاد یک سازمان متمرکز است که تمام امور مربوط به خارج کشور را تحت کنترل خود داشته باشد. این فعالیت باید در چهارچوب امکانات و با استفاده از وجود نمایندگان هائی انجام گیرد که بر اساس روابط عادی بین کشور ایران از یکسو و کشورهای دیگر مجاز شمرده شده اند. به همین جهت مأمورین ساواک بایستی مأموریت خود را تحت عناوین گوناگونی انجام دهند: وزیر مختار در سفارت کبری، دبیر سفارتخانه، سرکنسول، وابسته نظامی، وابسته فرهنگی، وابسته بازرگانی، وابسته مطبوعاتی و غیره.

برای نمونه میتوان چند مثال آورد: سپهبد علوی کیا، مأمور عالی رتبه سازمان امنیت در سمت وزارت مختار در سفارت کبری ایران در آلمان غربی، سرهنگ حقیقی مسئول کارهای سازمان امنیت - وابسته سفارت ایران در ژنو.

ولی این بدان معنی نیست که نزد هر سفارتخانه و یا کنسولگری تنها یک مأمور سازمان امنیت وجود دارد. سپهبد علوی کیا باصطلاح وزیر مختار ایران در کلن که مأموریت وسیعی از جانب سازمان امنیت بعهده اش گذاشته شده است خود دارای دستگاهی است مرکب از عده ای کارمند مأمور ساواک. این وزارت مختار در واقع نقش مرکزی نسبت به چند کشور بازی میکند. سرکنسولگری هلمه بورگ، کنسولگری موشن، نمایندگی کنسولی برلن غربی همه مستقیماً زیر نظر این دستگاه کار میکنند و از هر جهت مطیع اوامر آن هستند. اگر در نظر بگیریم که سرهنگ حقیقی و اتابکی سفیر ایران در اتریش و بوشهری پور وابسته مطبوعاتی این سفارتخانه نیز اغلب امور امنیتی سوئیس و اتریش را نیز با صحنه علوی کیا انجام میدهند آنگاه بوسعت کار این مرکز غیررسمی پی میبریم. با وجود پور رستگار برادر زاده علوی کیا در سفارت ایران در پاريس این نظارت مرکز غیررسمی بر آن سفارتخانه نیز برقرار است.

سازمان امنیت در همه جا سرپرستی های دانشجویان را نیز در اختیار داشته است. برخی از

و وطن خواهی و شاه دوستی، داده میشود (عبارت از نامه هائی برداشته شده است که بطور بخشنامه برای اینگونه افراد نوشته میشود).

ولی استخدام در سازمان امنیت آنچنان کار چرکین و بی آبرویی است که اگر کسی اخگری از وجدان در وجودش باقی مانده باشد حاضر نیست بدان تن دهد. لذا طرق دیگری برای کشاندن در متجارب و سپس غرقه ساختن در آن اتخاذ میشود. ساواک برای یافتن طرق لازم، اشخاص و بویژه دانشجویان را بوسیله مکتب زیر نظر میگیرد، نقاط ضعف آنها را مورد مطالعه قرار میدهد به احتیاجات آنان پی میبرد و سپس دام خود را با استفاده از این نقاط ضعف و احتیاجات میکسرد.

از جمله با افراد محتاج و یا مسرف از طریق دوستانش، در خارج و یا حتی کسانش در ایران کمکهای شده است که در واقع از جانب سازمان امنیت و کمکهای الزام آور بوده است. این اشخاص بمناسبت کمکهای، دریافت شده در معرض شانزاد قرار گرفته اند و برخی از آنان نتوانسته اند خود را از این آلودگی برهانند و از ترس آبرو و حیثیت خود (بدون توجه به اینکه عاده آبرو هیچگاه دیر نیست) تسلیم شده اند. برخی دیگر زندگی خود را به تناسب این عایدی گذرا پایه گذاری کرده و بعداً نتوانسته اند آنرا محدود کنند و برای حفظ وضع موجود تن به همکاری داده اند.

از جمله طرقی که سازمان امنیت برای تسلیم اشخاص اتخاذ نموده است تهدید است. در شرایط خارج از کشور این تهدید بطور عمده بشکل توقیف گذرنامه و یا عدم تمدید آن بروز میکند. توقیف گذرنامه که در حقیقت سلب عملی تابعیت کشور از افراد است نمونه ایست از درجه تسلیمی که هیئت حاکمه ایران برای سازمان امنیت خود قائل شده است و در عین حال برای از رسوایی این دستگاه است بدست خارجیان سپرده میشود. در آغاز امر ساواک از این راه برای خارج نمودن افراد از صحنه مبارزه و یا تسلیم آنها به همکاری استفاده زیادی کرد زیرا عدم آشنائی بوضع کشور های اروپا و امریکا و قوانین آن چنین تصویری بوجود آورده بود که گرفته شدن گذرنامه موجب قطعی اخراج از کشور خواهد بود.

در واقع هم خواه در امریکا و خواه در کشورهای اروپائی در باره افراد بی گذرنامه مذاکرات مکرری بین مقامات سیاسی و یا بهتر بگوئیم امنیتی ایران و نیز سرپرستی های محصلین از یکسو و مقامات محلی ازسوی دیگر بعمل آمد ولی آنجا که خواست مأمورین ایران با قوانین موجود در این کشور ها وفق نمیداد اقدامات مزبور نتیجه ای نبخشید و کار تنها با برخی توافق های فرعی پایان پذیرفت - مثلاً توصیه پلیس محل بمناسبت تقاضای اجازه اقامت به اینکه خوبست مراجعه کننده از طریق سفارت اقدام کند، و حال آنکه عدم مراجعه هم مانع تمدید اقامت نمیشد و تنها روی اشخاصی که آشنائی به قوانین ندارند یک نوع تأثیر روحی باقی میگذاشت. از تأثیر روحی این عمل و از تأثیر عملی گرفته شدن گذرنامه که مانع مسافرتهاى خارج از کشور میشود ساواک استفاده های لازم را نسبت به اشخاص ضعیف کرده و میکند.

باید توجه داشت که ساواک از هیچ اقدامی برای جلب همکاری سازمانهای پلیسی کشورهای سرمایه داری فروگذار نکرده و کمابیش این همکاری برقرار است. در کشورهای دارای قوانین ضد کمونیستی این همکاری نزدیکتر و تنها منحصر به تبادل اطلاعات نیست بلکه در مواردی به تقبیاتی نیز منجر میشود. البته آنچه دارای اهمیت است این تقبیاتی نیست بلکه همان اطلاعاتی است که در نتیجه بی احتیاطی و تصور اینکه در محیط نسبتاً آزاد میتوان ملاحظه ای نداشت از طریق پلیس محل بدست سازمان امنیت میرسد و

بعد ها موجب استفاده قرار میگیرد. اگر شاخص اساسی رژیم های دموکراتیک و ملی آزادی فعالیت سیاسی در چهار چوب قوانین موجود و تشویق مبارزه علیه امپریالیسم در راه آزادی و استقلال کشور است شاخص رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی ایران اختناق هرگونه آزادی سیاسی و هرگونه مبارزه ضد امپریالیستی است.

هیئت حاکمه ایران از جوانانی که شور میهن پرستی همواره آنها را دعوت بمبارزه برای آزادی کشور میکند بیمناک است. دانشگاههای ایران مرکز توجه خاص سازمان امنیت و دستگاه پلیس است و هرگونه جنبش و حرکتی با خشونت سرکوب میشود. اکنون برای خروج از کشور و ادامه تحصیل در خارج نیز موانع فراوانی تراشیده اند. برای آنکه دانشجویان خارج برود باید بدو از کنترل سازمان امنیت گذشته باشد. اخیراً قرار است که تمهیدی نیز در مورد عدم دخالت در سیاست بگیرند.

ولی برای سازمان امنیت تنها دور شدن جوانان از سیاست مطرح نیست. در درجه اول باید جوان را آلوده بشناسد جاسوسی و همکاری با سازمان نمود. موفقیت این عمل قبل از هر چیز با امکانات دستگاه جاسوسی می افزاید و از جانب دیگر اگر هم کار برمالا شد این شخص دیگر مورد نفرت دوستان خود است و طبیعتاً از صحنه سیاست بکنار میماند. در همین زمینه سازمان امنیت بشکل دیگری نیز عمل میکند و آن اینکه بوسیله اعمال خود افراد با شرف و مترقی را مشکوک و عضو سازمان امنیت معرفی میکند و بدینوسیله با لکه دار کردن مین پرستان، ایجاد بی اعتمادی میکند. بنا بر این اعتماد مطلق و بی اعتمادی مطلق هر دو نادرست است. یکی منجر به بی احتیاطی میشود، دیگری کار را فلج میکند. دقت و هشیاری همراه با تجربه در جریان مبارزه صداقت هر کسی را نشان خواهد داد.

اشخاصی که برای دیدار کسان خود و یا بمنظور انجام کاری در جریان تحصیل به ایران میروند یا از همان روز اول برای بازپرسی به سازمان امنیت دعوت میشوند و یا تحت نظر قرار میگیرند. مراجعت این اشخاص همواره با مشکلات روبرو است. از آنجا که اغلب دانشجویان حد اقل در کار های صنفی دانشجویی شرکت کرده اند لذا مدرک، حد اقلی در دست سازمان امنیت هست که بتواند برای ارباب از آن استفاده کند. چه بسا با ارائه نامه های تقلبی به امضاء افراد مورد اعتماد این دانشجوی موفق به فریب وی میگرددند. ساواک در آغاز کوشش میکند حد اکثر نتیجه را از آنچه در دست دارد و یا تهیه نموده است بنماید. این نتیجه عبارت است از گرفتن تمهید همکاری مطلق. در صورت پافشاری زیاد این توقع رفته رفته تقبیل می یابد و بعد اقل خود میرسد: سرپردن تمهید به اینکه اگر از

بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۴

تفرقه افکنی در لباس وحدت طلبی خرابکاری از راه انقلابی مآبی

کننده مقاله وتوفان، عمق تحریفی را که در آن نشریه انجام گرفته است آشکار میسازد.

هشدار باش

از «توفان» چه باقی مانده است؟ یک مشی ضد توده ای و ضد شوروی! ولی حزب توده ایران علیرغم نقائص و مشکلات خود انقلابی ترین و مشکل ترین حزب و تنها حزب مارکسیست - لنینیست در مین ماست. اتحاد شوروی بزرگترین کشور سوسیالیستی سازنده کمونیسم و پشتیبان همه نیرو های مترقی و آزادیخواه در سراسر جهانست. نمیتوان ادعای میهن پرستی و کمونیستی کرد و روش خصمانه بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی در پیش گرفت. ممکن است اتهام و افترا زد و اذهان را برای مدتی مشوب ساخت. ولی این سراسیمه خطرناکی است. ما بهمه آنها که هنوز صدقاتی دارند هشدار باش میدهم که تجربه و سرنوشت ضد تودایها و ضد شورویها را در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ بیاد آورند.

رویدادها - یادبودها

در گرفت شرکت جست. رفیق روستا پس از ذکر تجاوزه وحشیانه امپریالیسم در ویت نام، فعالیت خطرناک محافل تلافی طلب آلمان غربی، تاخت و تاز خونین ارتجاع در اندونزی و توطئه های امپریالیستی در کوبا، دومینیکن و خاور میانه گفت: «در شرق میانه توطئه های جدیدی در حال تکوین است: امپریالیست ها با دست عمال خود مانند شاه ایران و امیر فیصل پادشاه عربستان سعودی و امثالهم در صدد ایجاد اتحادیه جدیدی بنام اتحاد اسلام هستند». سپس رفیق روستا در باره وضع خاور میانه، عراق و عربستان جنوبی سخن گفت و آنگاه رشته کلام را به تشریح وضع ایران کشاند و گفت: «امپریالیستهای امریکا با دست شاه و هیئت حاکمه ما در کشور رژیم دیکتاتوری و فاشیستی مستقر کرده اند و هیچگونه آزادی سندیکائی، دموکراسی نطق، بیان و آزادی مطبوعات و اجتماعات وجود خارجی ندارد. منابع ثروت و نفت ما در دست انحصارهای بین المللی در درجه اول امریکا و انگلستان است و در سال بیش از صد میلیون تن نفت ما را بگارت میبرند». سپس رفیق روستا گفت: «شاه در مدت ۶ ماه اخیر صدها نفر از دانشجویان و کارگران آزادخواه را بعه وین مختلف بزندان انداخته و رهبران آنها را باعدم و بجنس محکوم کرده است از آنجمله دو نفر از رفقای نهضت کارگری ما را چنانچه گفته شد به اعدام محکوم کرده است که همبستگی شما ها و بشریت مترقی را برای نجات آنها خواهانیم. ضمناً بایستی از ابراز همبستگی کارگران فرانسه و ایتالیا و دانشجویان ایرانی اروپا و سایرین در اینجا تشکر نمایم.»

رفیق روستا صحبت مشروع خود را با ابراز موافقت با انقصاد کسفرانس وسیع برای توسعه مناسبات اقتصادی و بازرگانی و تشکیل جلسه مشاوره زنان زحمتکش خاتمه داد.

جوانان جهان از مبارزه مردم ایران

پشتیبانی میکنند

هفتمین مجمع فدراسیون جهانی جوانان دمکرات از تاریخ ۶ تا ۱۷ ژوئن (۱۶ تا ۲۷ خرداد) در شهر صوفیه تشکیل شد. نمایندگان سازمانهای جوانان ۹۹ کشور در این جلسه شرکت داشتند. نمایندگان چندین سازمان جهانی و همچنین نماینده اونسکو از مدعوین جلسه بودند. تعداد نمایندگان بیش از ۴۵۰ نفر بود. در این جلسه گزارش فعالیت فدراسیون از مجمع ورشو سال ۱۹۶۲ تاکنون، تحلیلی از زندگی و مبارزه جوانان جهان مطرح شد.

نمایندگان بآراء گوناگون فعالیت سازمان خود، در بحث و انتقاد شرکت نمودند. مجمع قطعنامه های سیاسی، تشکیلاتی و برنامه عمل آینده فدراسیون را بتصویب رساند و ارگانهای رهبری را انتخاب کرد. هیئت نمایندگی جوانان توده ای ایران بطور فعال در این مجمع شرکت نمود. هدف هیئت نمایندگی ایران معرفی اوضاع قلمی کشور، مبارزه مردم و جوانان در راه صلح، دمکراسی و استقلال واقعی، علیه رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی ایران و جلب باز هم بیشتر همبستگی جوانان جهان برای نجات زندانیان سیاسی ایران و دفاع از جان رفقا پرویز حکمت جو و علی خاوری بود. سخنگوی جوانان ایران رژیم استبدادی و ترور سیاه شاه را افشاء کرد، نقشه امپریالیستی و ارتجاعی ایجاد «پیمان اسلامی» را توضیح داد. ماهیت مانور

یادی از تظاهرات ۱۴ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، نارضایتی مردم از رژیم شاه، بصورت تظاهرات پراکنه تهران، قم، شیراز، مشهد و تبریز سرزیر شد. هزاران نفر از مردم تهران از آزادی اجتماعات در ایام سوگوار عا شورا استفاده نمودند و با شعارهای سقوط شاه، آزادی زندانیان سیاسی و تأمین انتخابات آزاد به خیابانها آمدند. عکس العمل شاه در برابر این تظاهرات خشن و وحشیانه بود. نیروهای مسلح در پناه تانکها به مقابله با مردم شتافتند و زن و مرد و پیر و جوان و کودک را بگلوله بستند. بروایت خبرگزاریهای خارجی در این روز در تهران ۲۰۰۰ نفر از مردم به قتل رسیدند. شاه بسیار کوشید این کشتار بیرحمانه را توجیه کند، وی مدعی شد که تظاهر کنندگان عده ای فتودال و ملاک و جمعی مردم فریب خورد بوده اند. مردمیکه روز ۱۴ خرداد به گلوله بسته شده بودند روز ۱۵ خرداد

فعالیت سازمان امنیت ایران

طرف احزاب سیاسی چپ مراجعه ای برای کار شد و یا مطبوعاتی به وی دادند آنرا به سازمان اطلاع دهد که این خود یک نوع زمینه است برای وابستگی آبی. در مبارزه با جنبش بزرگترین هدف ساواک جدا کردن نیروها و تفرقه اندازی بین آنها است. در این راه از هیچگونه تشبیه و تقلبی فرو گذار نمیشود. انتشار روزنامه های تقلبی، مردم، را همه بخاطر دارند. ولی اینگونه اقدامات بسیار ناپخته و رسوا کننده است. لذا اکنون کوشش های دقیق تری بعمل می آید تا اقدامات تفرقه انگیز ظاهراً ربطی به فعالیت ساواک پیدا نکنند و بطور غیر مرئی توسط کسانی در داخل سازمانهای صنفی و سیاسی و از طریق تحریک و پروو کاسیون در مجامع و مطبوعات انجام گیرد. در موارد بسیاری این اقدامات بی نتیجه هم نمانده است. هم اکنون در یک رشته از سازمانها در نتیجه اینگونه تحریکات داخلی تضاد های شدیدی بوجود آمده است.

در میان کلبه سازمانهای سیاسی در درجه اول حزب توده ایران است که هدف تحریکات خرابکاری ها و تفرقه اندازی های سازمان امنیت میباشد. این نخستین دستوری است که مأموران سازمان امنیت به هر یک از کارکنان خود میدهند. طرح مسائل خارجی در سازمانها و مجامع بطوریکه نیروهای مترقی و بویژه هواداران حزب توده ایران مجبور به موضع گیری شوند و در نتیجه شناخته گردند، یکی دیگر از شیوه های سازمان امنیت است. متأسفانه از آنجا که ضد کمونیسم همچنان در میان نیروهای ملی قوی است، با سلاح مخالفت با حزب توده ایران، تفرقه افکنی مؤثری بین نیروهای ملی از طرف سازمان امنیت انجام میگردد. توجه باین نکته که هرگونه عمل تفرقه افکنانه قبل از هر چیزی در جهت خواست سازمان امنیت ایران است میتواند کمک شایانی برای جلوگیری از آن بنماید: خواه از راه تحت نظر گرفتن و شناخت اشخاصی که باین عمل دست میزنند و خواه از نظر برخورد هشیارانه. بیومرد نیست گفته شود هنگامیکه گروهی از کمونیستهای آلمان غربی از حزب کمونیست جدا شدند و بفعالیت جداگانه پرداختند و برای پخش مطبوعات خود و بویژه برای رساندن آن به اشخاص چپ و کمونیست بی ادرس میکشند آدرس اینگونه اشخاص را پلیس با وسائل مختلف در دسترس آنان گذارد و حال آنکه این جدا شدگان از لحاظ دعوی خود از کمونیست های منتسب بحزب کمونیست انقلابی تر بنظر میرسیدند. راه باز کردن برای نشر آزادانه مطبوعات منتسب به حزب کمونیست چین حتی در کشورهایی که در آن قوانین ضد کمونیستی حکمفرماست از این نظر است.

برای هر کمونیست و آزادخواهی، برای هر علامتد به جنبش آزادیبخش کشور این گفته باید همواره نصبالین باشد که میگوید اگر دینی علت دشمن را خوشحال کرد بدان که حماقتی در آن وجود داشته است.

خاقلی

جسورتر و پیکار جو تر به خیابانها آمدند و به تظاهرات علیه رژیم ادامه دادند. شهرهای قم، شیراز، مشهد و تبریز به هواداری مردم تهران پیوسته همه جا تانک و گلوله از مردم استقبال نمود. ولی مردم با مقاومت خود و با پیگیری در مبارزه علیه رژیم نشان دادند که برای تأمین مطالبات خود تا پای جان حاضرند. حوادث سه سال اخیر کذب ادعای شاه را داث بر «مبارزه بافتودالهای مرتجع» اثبات رساند. علیرغم ادعای او نه تنها يك مالک یا فتودال به پای میز محکمه خوانده نشد بلکه انعطاف بیش از حد رژیم در برابر ملاکین و فتودالها و عرضه طرق گوناگون برای تأمین منافع آنها بروشنی نشان داد که شاه و ملاکان در برابر هم نیستند بلکه در کنار هم اند. تظاهرات روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد بوسیله نیروهای مسلح شاه سرکوب شد ولی مبارزه مردم ادامه یافت. دستگیرها، محاکمات، حبسها، تبعیدها

نطق رفیق رضا رادمش

واقعی میهن خود ندارند اعتراض نموده و تقاضای لغو احکام و استیضاح آنها را نموده اند سیاستگذاری میکنند و امیدوار است که بسط مبارزه اعتراض عمومی جهانی توأم با مقاومت مردم ایران رفقای ما را که در آستانه مرگ قرار دارند نجات دهد و در عین حال از این راه گامی در جهت دموکراتیزاسیون جامعه ما و ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم و ارتجاع در کشور ما برداشته شود.

علیرغم رژیم ضد ملی و استبدادی موجود فعالیت در میهن ما برای استقرار يك رژیم واقعی ملی و دموکراتیک بسط و دامنه بیشتری مییابد و در مبارزه شدیدی که بدیدم منظور هم اکنون در داخل و خارج کشور در گرفته است اساس يك وحدت اصولی علیه رژیم ضد ملی و استبدادی بی ریزی میگردد.

حزب ما و همه گروهها و احزاب و شخصیتهای ملی و دموکراتیک در کشور ما توطئه های اخیر برخی از محافل ارتجاعی خاور میانه و خاور نزدیک را که با الهام امپریالیسم و در زیر ماسک دروغین اتحاد اسلام تخم نفاق و تفرقه را در بین کشور های ایران متعلقه می افشاندند شدیداً محکوم میکنند.

ما عقیده داریم هرگونه اختلال و هرگونه تجزیه و تفرقه در صفوف نیروهاییکه بخاطر صلح و استقلال و دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه مینمایند از جانب هر کشور یا گروه و یا هر حزبی و بهر بهانه ای صورت گیرد بدون تردید کمک به نیروهای ارتجاع و تهاجم و جنگ است.

مبارزه پیگیر با هرگونه افتراق و فعالیت همه جانبه در راه اجراء وحدت در اردوگاه سوسیالیسم، در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در صفوف جنبش های رهائی بخش ملی مهمترین وظیفه ایست که اکنون در برابر همه کمونیستها قرار دارد. ما با اقداماتی که در این زمینه از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چکوسلواکی و سایر احزاب کمونیستی و کارگری صورت گرفته است کاملاً موافقم و برآنم که تنها يك وحدت اصولی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم خلقت و انترناسیونالیسم پرولتاری و بر اساس خط مشی مصوب جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ میتواند به تفرقه موجود پایان بخشد و راه را برای عقب نشینیها و شکستهای تازه امپریالیسم و ارتجاع هموار سازد. ما یقین داریم که تصمیمات شما در کنگره حاضر گام مهمی در جهت عملی شدن این هدف بزرگ و عالی است و از این جهت نیز پیروزی های بزرگی را برای شما آرزو میکنیم.

زنده باد حزب کمونیست چکوسلواکی و سیزدهمین کنگره آن!
زنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی پایگاه عمده صلح و دموکراسی و سوسیالیسم در جهان!
زنده باد دوستی خلفهای چکوسلواکی و ایران!
زنده باد وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری!

راديو پيك ايران

همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۳۵۰ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند.

راديو پيك ايران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است. راديو پيك ايران را بشنوید و شنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید.

و اعداهای چند سال اخیر همه نشانه مخالفت عمیق مردم و مبارزه صادقانه آنان علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه است. ۱۳ سال مبارزه مداوم علیه رژیم کودتا میتواند فقط از جانب ملت هشیار، مبارز، مقاوم و فداکار انجام گیرد.

«در باره مسائل فلسفی

فروش هندوانه در شهرهای بزرگ»

مقاله ای که ذیلاً میخوانید ترجمه بخشهایی از مقاله ایست که تحت همین عنوان در روزنامه «ژن مین ژیانو» ارگان حزب کمونیست چین و سایر روزنامه های مرکزی چین چاپ شده است. نویسنده این مقاله «جوئوسین لی» نام دارد. وی مدیرشعبه ای از شرکت خرده فروشی میوه و خواربار شهر شانگهای است. بولتن اطلاعاتی خبرگزاری چین بنام «خبرگزاری سینخوا» در شماره سه شنبه سی و یکم ماه مه سال ۱۹۶۶ ظاهراً بواسطه اهمیتی که برای این مقاله قائل بود خلاصه ای از آنرا در صدر کلیه مندرجات خود جای داده است.

ما بخشی از این مقاله را ترجمه میکنیم تا خوانندگان با نمونه ای از برخی روشهای شگفت انگیز که در جمهوری توده ای چین برای بااصطلاح آشنا ساختن توده ها با اندیشه های فلسفی بکار میرود شخصاً آشنائی حاصل کنند. این نوع روشها همراه با مبارزه ای که اخیراً بعنوان اجراء انقلاب فرهنگی و زیر شعار «اهریمنان افعی صفت را بروییم» انجام میگردد و منجر به دور کردن رئیس آکادمی علوم گوموژو، رئیس دانشگاه پکن-لویین و شهردار و عضو پولت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین پن جن و عده ای دیگر از کار شده است حاکی از پیدایش فضای سیاسی و معنوی خاصی در چین است که نمیتوان آنرا سالم و اصولی شمرد.

غرابت مقاله در آنست که گویا حتی برای حل مسئله ساده فروش هندوانه در شهرهای بزرگ نمیتوان از عقل سالم و تجربه روزمره فیض گرفت و حتماً این کار را باید با ژرف اندیشی های فلسفی و آنهاهم انحصاراً بکمک آثار شخص معین حل کرد. برای یاد دادن اندیشه های فلسفی و بطور کلی دیالکتیک مارکسیستی به توده ها (امری که ضرورت آن مورد تردید نیست)، چنانکه تجربه خلقها و انقلابها نشان میدهد، راههایی وجود دارد که هرگز دارای چنین غرابت ساده لوحانه نیست و تأثیر پایدار و عمیق آن نیز بر مراتب بیشتر است. لذا این طرز عمل فاقد توجیه منطقی است.

بهتر از هر توضیحی خود مقاله از خود سخن میگوید. خبرگزاری سینخوا در ابتدا مینویسد:

«نویسنده مقاله شرح میدهد که چگونه شعبه او راه کاهش میزان اتلاف هندوانه را در جریان فروش آن بهنگام تابستان، کشف کرده است. شعبه مزبور در پرتو این امر توانست مقادیر بیشتری هندوانه را با مصارف کمتر و درآمد بیشتر بفروش برساند.

جوئوسین لی علت این کامیابی را بررسی و انطباق عملی اثر مائوتسه تونگ تحت عنوان

«در باره تضاد» توضیح میدهد. نویسنده مقاله خاطرنشان میکند: «ما کشف کردیم که تضاد عمده در چیست و آموختیم که جانب عمده این تضاد را چگونه باید حل کرد.» سپس او مینویسد که در سال ۱۹۶۳ در بجهوه فصل فروش هندوانه هرروز ۲۵۰ تا ۴۰۰ تن هندوانه به شعبه او وارد میشد در دنباله این شرح در بولتن اطلاعاتی چنین آمده است:

«چگونه میبایست تمام این هندوانه ها را بفروش رسانید؟

جوئوسین لی مینویسد که من و رفقایم از اندیشه های موجود در اثر رفیق مائوتسه تونگ «در باره تضاد» نیروی فراوان کسب کرده است که: «شیئی بدون تضاد وجود ندارد.» «بستگی متقابل و مبارزه ضدین که ذاتی هر پدیده ایست عامل تعیین کننده چگونگی حیات هر شیئی و هر پدیده و محرک تکامل تمام اشیا» و پدیده ها است.

جوئوسین لی و رفقایش با خود گفتند مهمترین نکته تشخیص چگونگی تضادها و حل تضاد عمده از میان این تضادها است. آنها پس از تحقیق و بررسی معلوم کردند که تضاد عمده در فروش هندوانه عبارتست از تضاد میان مقادیر زیاد هندوانه در بجهوه فصل و کمبود نیروهایی که بفروش آن اشتغال دارند. نمودار مشخص این امر تضاد میان کمبود مراکز فروش و نیروی کار و وسائل حمل و نقل از یکسو و انبارهای کالا از سوی دیگر و نیز رهبری کار فروش است. کشف این تضاد با آنها کمک کرد دقیقاً معین کنند که حل چه مسائل و مشکلاتی را در پیش خواهند داشت.»

سپس در مقاله سینخوا گفته میشود: «رئیس مائوتسه تونگ خاطر نشان کرده است که باید: «نیروها را با تأمین تفوق آنها متر کز ساخت و دشمن را جزء بجزء نابود کرد.» با آنکه این اصل بتاکتیک نظامی مربوط است ولی جوئوسین لی و رفقایش این اصل را برای حل مسئله ای چون فروش هندوانه مناسب دیدند. مغازه های وابسته به این شرکت که بخرده فروشی مشغولند انواع دیگر کالاهای نظیر میوه های تازه و خشک و خواربار وارده از شمال و جنوب و سیگار و

مشروبات الکلی و شیرینی و بیسکویت نیز میفروشد. تصمیم گرفته شد در آرایش قوای فروشندگان در ماههای ژوئیه و اوت سال ۱۹۶۴ که هندوانه بیزان زیادی وارد میشد تجدید نظر گردد تا نیروهای مشغول فروش هندوانه تقویت گردند... «در بجهوه فصل در شبکه وسیع مراکز خرده فروشی هندوانه ۳۰۰ فروشنده بکار پرداختند. یکی از مراکز در تمام طول فصل ۳۰۰ تن هندوانه فروخت. اکثریت فروشندگان بکار هندوانه فروشی گماشته شدند...»

ویت نام

جوانی، باروانی شاد و بیدار
بیای کوهساری خانه ای داشت.
زنش، کو بود زیبا و وفادار
بدامن کودک دردانه ای داشت.

زمانی آن جوان شد تا که از دشت
بسوی خانه آرد روزی روز،
چو شد شام و ز گشت دشت برگشت
جهانی دید گرم شعله و سوز:

یکی عفریت آدمخوار سفاک
بروی مرز و بومش پر کشیده،
زنش را کشته و افکنده بر خاک
سرایش را به آتش در کشیده.

ز بام و در بلا و مرگ ریزان
بر آید ضجه ها از دور و نزدیک
شده فرزند دلبنش گریزان
ز جنگ دیو در نی زار تاریک.

جوان چون دید خاک خود ز خون رنگ
ز درد و خشم فریاد از جگر زد،
به جنگ دیو ناخوش ساخت آهنگ
بچستی دامن همت به بر زد.

اگر چه دیو آتش در دهان داشت
ز جنگال مهیش خون چکان بود
ولی آن گرد، جادویی نهان داشت
دلش بی بیم و جانش بی تکان بود.

ز مهر و کین سراپا بود نیرو
ز عزم رزم بر تن داشت جوشن
به جنگ دیو آدمخوار از ایترو،
نه زاتش داشت پروائی نه ز آهن.

ز هر سو دیو می پیچید، آن گرد،
بر او زخمی دگر میزد به پیکر،
جوانی، جته او لاغر و ترد
ظفر میکرد بر غولی تناور.

بود آن دیو امریکای خونخوار
جوان، آری، ویت نام است نامش
چنان در رزم خود چست است و یادار
که آخر کار خواهد شد بگامش.

بقیه از صفحه ۳

تا کی دشنام؟ تا کی اتهام؟

دائمی و مکرر او راهی جز قبول نبود. این که میگویند دولت شوروی ستوان قبادی را بر اثر تقاضای سازمان امنیت تحویل دولت ایران داد، کذب محض و اتهام بشماره ای بیش نیست. مادر همین شماره روزنامه مردم، بعضی از اسناد مربوط به این جریان را منتشر کردیم تا اتهام زنان روسیه شوند.

اما آنچه در باره توقیف دو تن از دانشجویان ایران، در جمهوری دموکراتیک آلمان و نقش حزب توده ایران در این جریان نوشته میشود، باز جز اتهامی بیش نیست. توقیف دو تن دانشجوی ایرانی در جمهوری دموکراتیک آلمان مطلقاً به حزب توده ایران

در اینجا مقاله از چارچوب مسائل فلسفی خارج میشود و باین نتیجه میرسد که مسئله فروش هندوانه بدین طریق در تابستان مورد بحث حل شد و این امر، هم بمشتریان و هم به هندوانه کاران کمون روستائی سود رساند.

مربوط نیست. این دو نفر، بدنبال نقض مقررات مرزی جمهوری، توقیف شدند. مسئول این جریان کسانی هستند که آنها را باین اقدام تشویق کرده اند. مسئول کسانی هستند که از حسن نیت و شور و علاقه جوانان کشور ما در جهت اجرای مقاصد سوء خویش استفاده میکنند. چرا نویسندگان جبهه ملی نخواهند حقایق را به بینند از تحریف و تقلب واقعات چه نتیجه ای عاید میشود؟

ما همانطور که بارها گفته ایم، هوادار اتحاد و وحدت عمل تمام نیروهای ملی و ضد استعمار در مبارزه بر ضد رژیم ضد ملی - ضد دموکراتیک کنونی ایران هستیم. کوشش برای اتحاد و وحدت عمل مستلزم قطع بحث و انتقاد اصولی نیست. ولی بحث و انتقاد اصولی فضاشی و اتهام زنی نیست. در ایران روزنامه های وابسته به رژیم باندازه کافی به حزب توده ایران اتهام میزنند. ما توصیه میکنیم که حد اقل ارگانهائی که بنام جبهه ملی نشر میشوند با آنها همصدائی نکنند. همصدائی با آنها مفهومی جز آب ریختن به آسیاب دشمن مشترک ندارد.

کنگره جبهه ملی (بخش امریکائی)

استثناهای ما، مجلس های قلابی نظیر آنچه می بینم درست میکند، ثمره ای جز آنچه نتیجه کارما داشته است، نخواهد داشت. و بعد از پنجسال مبارزه، در شرایطی کم و بیش نظیر آنچه در ۱۳۳۹ بوده ایم، قرارمان داده است. تطبیق شرایط مبارزه دلیرانه ای که دکتر مصدق در شروع نهضت ملی شدن نفت کرد با شرایط کنونی داخل و خارج ایران و در نتیجه، تجویز روشی چون انتخابات آزاد، نشانه عدم اطلاع از ویژگیهای زمان ما و شرایط حاضر مبارزه است.»

بدین ترتیب باختر امروز صریحاً بی ثمری شیوه پارلمانی و انطباق ناپذیر بودن این شیوه را بر شرایط مشخص امروزی ایران ذکر میکند و از «بن بست» راه پارلمانی و «انتخابات آزاد» در شرایط اختناق آور رژیم کودتاسخن میراند. اما راهی که کنگره جبهه ملی ایران در امریکا ارائه میدهد چنین است:

«استقرار حکومت ملی و احیای سنن انقلابی مشروط با تجهیز وسیع نیروهای توده برای انداختن سلطه استعمار از میان برداشتن دستگاه ها که استبدادی متکی بآن.»

لذا: «تجهیز وسیع نیروهای توده» بمنظور برانداختن سلطه استعمار و استبداد و استقرار حکومت ملی و احیای سنن انقلابی مشروطه راه و هدفی است که جبهه ملی (امریکا) در برابر خود نهاده است. بدون تردید این گامی است مثبت و بجلو. هدف در اینجا دیگر استقرار «حکومت قانونی» نیست، چیزی که معنایی مهم دارد؛ بلکه هدف استقرار حکومت ملی، ضداستعماری و ضد استبدادی است. راه هم راه «انتخابات عمومی و آزاد» نیست که بشهادت تجارب متعدد و انتخابات معروف به «تابستانی و زمستانی» چیزی جز مضحکه تقلب آمیز دربار نیست، بلکه راه عبارتست از اتکاء توده ها، تجهیز آنها، سوق آنها بمبارزه. انعکاس رادیکالیسم توده های ایران در سازمانهای جبهه ملی موجب آن شد که این جبهه از پندار بافی پارلمانی و مطلق کردن شیوه های قانونی و علنی مبارزه دست کشید و بسوی طرق انقلابی روی آورد.

ما از این جریان به دو جهت خرسندیم. نخست از این جهت که جبهه ملی ایران در امریکا هدف و راهی را در برابر خود میگذارد که پیش از پیش به هدف و راهی که حزب ما در مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک در برابر خود نهاده مشابهت مییابد. تردیدی نیست که فرمولبندی ما در این زمینه از جهت علمیت خود غنی تر و صریح تر است. ما بعنوان هدف از استقرار حکومت ملی و دموکراتیک که برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی، دموکراسی سیاسی و اقتصادی مبارزه کند سخن می گوئیم.

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دادگاه تجدید نظر نظامی غایبمغز انفرادی در جهات و ایران حکم جابرنه دادگاه بدوی را دائر به محکومیت رفقا پرویز حکمت جو و علی خاوری به اعدام تأیید کرد. برای صلور چنین حکم جابرنه ای هیچگونه دلیل و محمل قانونی وجود ندارد. تنها یک رژیم خود سری و جبر و فشار که دشمن اندیشیدن آزاد، دشمن فضیلت و شخصیت بشری است میتواند میهن پرستانی بیگناه را بجرم عشق باستقلال و دموکراسی بمرگ محکوم کند. مردم ایران! مردم جهان! جان علی خاوری و پرویز حکمت جو در معرض خطر جدی است. اگر مبارزات وسیعی که طی ماههای اخیر انجام گرفته با قدرت و شدت بیشتری ادامه یابد میتوان دست فرخیم را باز داشت و جان این دو فرزند ارجمند مردم ایران را نجات داد. ما خواستاریم که کلیه رفقای حزبی، کلیه سازمانها و افراد متزقی، در هر جا که هستند، با هر وسیله ای که در اختیار دارند مبارزه برای نجات جان علی خاوری و پرویز حکمت جو را با تمام قوا تشدید کنند.

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما بعنوان راه از توسل به افشاگری وسیع علیه رژیم مسلط بمنظور بسیج توده ها و سوق آنها بسوی انواع اشکال مبارزه از مسالمت آمیز تا قهر آمیز، از علنی تا مخفی، از سیاسی تا مطالباتی سخن میگوئیم. ولی غناء و دقت فرمولبندیها با همه اهمیتی که دارد این نکته را نباید بیوشاند که در ماهیت نزدیکی زیادی بین ما و جبهه ملی در تعیین هدف و راه مبارزه در دوران کنونی پدید شده است.

دوم اینکه این شباهت راه و هدف ناچار منطقاً باید به تحقق وحدت عمل سازمانهای ما که مهمترین سازمانهای سیاسی در ایرانند کمک کند. شباهت هدف و راه، یکی بودن دشمن، یکسانی رنجها و قربانیها - بهترین ضامن ها، بهترین پایه های وحدت عمل است. چرا این وحدت عمل تا اکنون انجام نگرفته است؟ هر بهانه ای هم که آورده شود، قابل انکار نیست که مسئولیت این وضع به گردن آن عده از دوستان جبهه ملی است که نه فقط در این زمینه گام مثبتی برنمیدارند، بلکه دست با اقدامات منفی نیز میزنند. برای این روش میتوان علل متعددی ذکر کرد، ولی مسلم است که یکی از علل مؤثره عبارت

است از آنتی کمونیسم. تصور آنکه این آنتی کمونیسم میتواند «ضامن سیاسی» پیروزی جبهه ملی در صحنه سیاست ایران (از طریق جلب پشتیبانی دولتها و طبقات ضد کمونیست) باشد، در نزد برخی از دوستان جبهه ملی علت اساسی عدم توافق آنها با وحدت عمل نیروهای ضد رژیم و بوژه وحدت عمل توده ای و مصدقی است. آنتی کمونیسم پندار باطلی است که سیر زمان نادرستی آنرا افشاء خواهد کرد.

اگر سازمانهای جبهه ملی در اروپا و امریکا پس از گام مثبتی که در زمینه رادیکال کردن هدف و راه برداشته اند، گامی مؤثر و مشخصی نیز در جهت وحدت عمل نیروهای مترقی ضد رژیم بردارند و سیاست بقاء در موضع تفرقه خاتمه دهند، مسلماً روز رستاخیز کشور ما را نزدیکتر ساخته اند. روزی که چنین وحدت عملی اعلام گردد، خود نیروی معنوی آن شکستی بزرگت برای قوای اهریمنی استعمار و ارتجاع خواهد بود.

ما بارها گفته ایم و بار دیگر میگوئیم. ایوزیسیون علیه رژیم، صرفنظر از سمت و محتوی سیاسی آن، نیروی معتناهایی است که بسختی پراکنده است. امپریالیسم و ارتجاع بکمک عمال آشکار و پنهان خود و بکمک شیوه های محیلاانه خویش باین نفاق دامن میزنند و به بقاء آن علاقه حیاتی دارند. اگر

کوتاه باد دست امپریالیسم متجاوز امریکا از خاک ویت نام! پیروز باد پیکار مقدس و عادلانه مردم ویت نام!

این مقدمه درست است، پس درست است که تنها اقدام صحیح از طرف ایوزیسیون ضد رژیم عبارتست از عمل در جهت خلاف تمایل استعمار و استبداد، در جهت وحدت عمل نیروها. این یک قضیه بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد. ولی این قضیه بدیهی نه تنها عملا پیش نمیرود و نظریات تنگ و بهانه های کوچک و «مصالح» دسته ای و گروهی و محاسبات شخصی و انواع انگیزه های ناسالم تحقق این هدف را مانع میشود، بلکه هرروزه بر تفرقه صفوف سازمانها افزوده میشود و در درون خود این سازمانها نیز گروهندهایی جدید پدید میگردند. با این پراکندگی نمیتوان بر رژیم کودتا که اینک در کار خود کسب تجربه کرده است پیروز شد و قطعه نامه های سودمند و تعیین شعارها و هدفها و راههای صحیح و حتی جانبازیها و فداکارهای جداجدا نیز قادر به تأمین پیروزی نخواهد شد. هیچ مصلحتی بالاتر از مصلحت وحدت نیروها نیست. این ضرورت قاطع جنبش رهائی بخش ایران در زمان ماست. ا. سپهر

رویدادها - یادبودها

انقلاب ایران به اصلاحاتی دست زنده که مهمترین آن اصلاح ارضی است که مناسبات سرمایه داری را در روستای ایران بسط میدهد. رفیق جودت پس از بیان تغییراتی که در سیاست خارجی دولت ایران از جهت بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی بروز کرده است تصریح کرد که این رفورها و تغییرات بهیچوجه ماهیت رژیم را که متکی بر امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و بر تروپولسی است تغییر نمیدهد. تنها طی یکسال گذشته دادگاه های نظامی ۲۲ حکم اعدام صادر کرده و در ۲۰ مورد این احکام اجرا شده است. رفیق جودت همبستگی اعضاء کنگره و خلق مغولستان را برای دفاع از جان رفقا حکمت جو و خاوری خواستار شد. در پایان سخنرانی خود رفیق جودت از مبارزه عادلانه خلق ویت نام علیه امپریالیسم درنده امریکا پشتیبانی کرد. وی خواستار احیاء وحدت کامل در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری جهانی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و بر اساس مشی عمومی مصوب احزاب کمونیستی و کارگری در جلسات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ شد و گفت: «حزب ما از کلیه اقداماتی که در این جهت از طرف حزب پر افتخار کمونیست اتحاد شوروی و حزب انقلابی خلق مغولستان و احزاب برادر دیگر بعمل آمده است کاملاً پشتیبانی میکند».

در سی و دومین اجلاس فدراسیون

سندیگائی جهانی

۲۷ مه ۱۹۶۶ سی و دومین دوره اجلاس کمیته اجرایی فدراسیون سندیگائی جهانی در شهر نیکوزیا (پایتخت قبرس) تشکیل بود. رفیق رضا روستا عضو این کمیته در بحثی که در اطراف گزارش پیر جانوس و سیلوستر دبیران فدراسیون بقیه در صفحه ۶

در یازدهمین کنگره حزب انقلابی

خلق مغولستان

یازدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان از هفتم تا یازدهم ژوئن ۱۹۶۶ در اولان باتور برگزار شد. کنگره گزارش کمیته مرکزی را که بوسیله رفیق سدنبال قرائت شد مورد بحث قرار داد، فعالیت سیاسی و عملی کمیته مرکزی و رهنمودهای چهارمین نقشه پنجساله جمهوری خلق مغولستان را تأیید نمود و برنامه جدید حزب را که برنامه تکمیل ساختمان سوسیالیسم در جمهوری مغولستان است تصویب کرد.

نمایندگان ۳۹ حزب مارکسیست - لنینیست از آنجمله نماینده حزب توده ایران رفیق دکتر حسین جودت عضو کمیته مرکزی و همچنین نمایندگان چند حزب دموکراتیک ملی در این کنگره شرکت داشتند. همه شرکت کنندگان کنگره لزوم احیاء وحدت صفوف جنبش کمونیستی و کارگری جهانی را متذکر شدند و پشتیبانی کامل خود را از مردم زجر دیده ویت نام که قهرمانانه علیه امپریالیسم تجاوزکار امریکا مبارزه میکنند، اعلام داشتند.

نماینده ایران رفیق جودت در این کنگره سخنرانی کرد. وی پس از بیان پیشرفت های درخشان خلق مغولستان و اظهار اعتماد بآنکه کنگره حاضر برای تبدیل مغولستان به یک کشور صنعتی - کشاورزی نقش مهمی ایفاء خواهد کرد به توصیف وضع ایران پرداخت و ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم کنونی ایران را با ارائه واقعات برملا ساخت و مبارزه دشوار ولی پیگیر مردم ایران را برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک توضیح داد. رفیق جودت سپس گفت وضع جهان و مبارزات مردم محافل حاکنه ایران را مجبور کرده است که برای حفظ خود و بعقب انداختن